



منشأ و سرانجام بت پرستی در داستان نوح علیه السلام

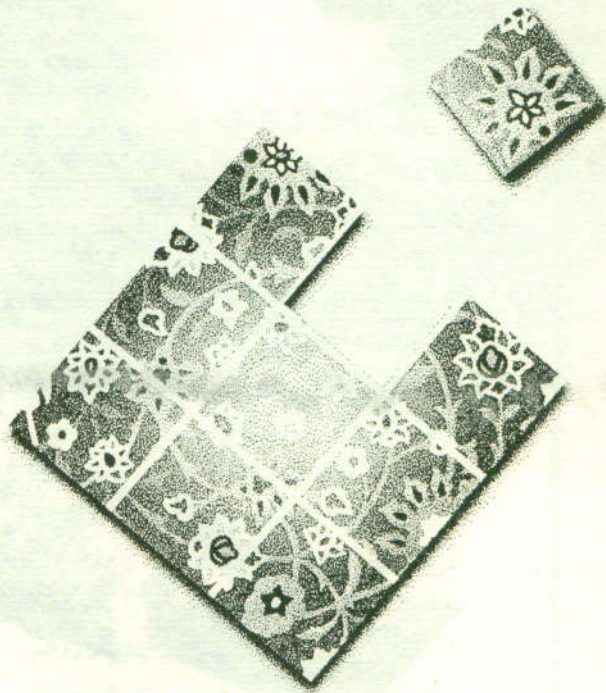
سید محمد علی داعی فزّاد

و راهنمایی او پرداخت و او را از نافرمانی و معصیت بر حذر داشت، اما قابیل به سخنان آدم علیه السلام گوش نداد و به وسوسه های شیطان رو آورد و مرتکب قتل برادر و فساد بر زمین شد. این پیکار هم چنان ادامه یافت.

خداوند برای راهنمایی و رساندن انسان ها به سوی نور و رهایی آن ها از ظلمت، پیامبرانی را یکی پس از دیگری فرستاد تا به یاری آدمیان بیایند و آن ها را به وادی هدایت رهنمون شوند. بدین سان پس

از فرود آمدن آدم علیه السلام و حوا بر زمین، سالهای زیادی می گذشت و هر روز بر جمعیت انسان ها اضافه می شد و نسل آدم علیه السلام رو به فزونی می نهاد و زمین جولانگاه فرزندان آدم علیه السلام بود.

از آن روز که بشر پا به عرصه کرة خاکی نهاد، پیکار حق و باطل نیز آغاز گشت و هر چه تعداد انسان ها زیاد تر می شد، عرصه این پیکار نیز وسیع تر می گشت. آن روز که قابیل نتوانست هابیل را تحمل کند و در فکر از میان برداشتن او افتاد، آدم علیه السلام به نصیحت



برای رفع مشکلات زندگی خود به آن بت‌ها
توسل می‌جستند و در برابر آنان خضوع
می‌کردند. در مصائب به آن‌ها پناه می‌بردند
و شفای بیماران خود را از بت‌ها
می‌خواستند هرگاه خشکسالی می‌آمد،
می‌کوشیدند تا با جلب خشنودی و رضایت
بت‌ها، زمینه نزول باران را فراهم نمایند.

*** چرا بیشتر مردم در آن دوران به
بت پرستی رو آورده بودند؟

*** با رجوع به تاریخ، روشن می‌شود که
دو مسأله باعث پیدایش بت پرستی و
خضوع در برابر بت و پرستش آن‌ها بوده
است: جلب منفعت و دفع ضرر.

انسان‌هایی که جمعیتشان از زمان
حضرت آدم علیه السلام تا حضرت نوح علیه السلام رو
به فزونی نهاده بود، نیازهای متعددی پیدا
کرده بودند و چون به تنهایی قادر به برآورده
ساختن آن احتیاجات نبودند، ناچار در
برابر سبب مربوط به هر حاجت خضوع
می‌کردند و آن را می‌پرستیدند.

از سوی دیگر، وقوع طوفان‌ها، زلزله‌ها
و بلایای طبیعی این خیال را در آن‌ها پدید
آورد که اسباب قاهره‌ای در کار است که با
خضوع در برابر آن‌ها و عبادت آنان می‌توان
از خشمشان جلوگیری کرد.^(۲) پس به طور
کلی می‌توان گفت آن چیزی که بشر را به
بت پرستی و شرک واداشت یکی از این دو
مسأله بوده است: یا خوف از خشم آلهه و
بیم از سلطنتی که برای آن آلهه نسبت به
حوادث زمینی قائل بودند؛ یا امید به برکت

از حضرت آدم علیه السلام پیامبرانی آمدند و به
هدایت‌گری پرداختند.

چند نسل پس از آدم علیه السلام، ادریس علیه السلام
به پیامبری رسید. خداوند پس از
ادریس علیه السلام اولین پیامبر اولوالعزم خود
یعنی نوح علیه السلام را به سوی مردم فرستاد و
این در هنگامی بود که مردم به جای
سپاسگزاری از خدا و پیروی از رسولان
قبله، به وسوسه‌های شیطان گوش می‌دادند.
آری در حالی که صدها سال از هبوط
آدم علیه السلام بر زمین می‌گذشت، به جای
خداپرستی و اطاعت از فرستادگان خدا،
بت پرستی و توسل به بت‌ها در میان مردم
رواج یافته بود.

آنان بت‌های گوناگونی به نام‌های «وَد»،
«سواع»، یغوث»، «یعوق»، «نسر» و امثال آن
را می‌پرستیدند.^(۱) هرگاه گرفتار می‌شدند،

و سعادت‌ی که از ناحیهٔ بت‌ها می‌پنداشتند^(۳)
* آیا قرآن نیز آنچه را که از تاریخ
بیان گردید، تأیید می‌نماید؟

* آری قرآن بیم و هراس و امید و
منفعت‌طلبی را به عنوان دو عامل پیدایش و
روآوری به بت پرستی دانسته و با پذیرش
نیاز انسان به تکیه‌گاه و پشتیبان در خوف‌ها
و خواسته‌هایش، تذکر می‌دهد آن‌که
می‌تواند ترس شما را زایل کند و امید شما را
برآورد، این بت‌ها نیستند. از این روی، بت
پرستان را مذمت می‌کند و می‌فرماید: «آیا به
جز خدا را به دوستی می‌گیرید، در حالی‌که
اوست آفرینندهٔ آسمان‌ها و زمین و اوست
طعام دهی که خود بی‌نیاز از طعام دهنده
است.»^(۴) باز به همین خاطر است که
نوح علیه السلام به قومش می‌گوید: «از بت پرستی
دست بردارید و به سوی او رو آورید تا از
آسمان بر شما باران فرستد و شما را به
اموال و فرزندان کمک کند و برای شما
نهرهایی قرار دهد. چرا برای خدای یگانه
شکوهی قائل نمی‌شوید؟ در حالی‌که اوست
که شما را با این تنوع آفرید. آیا نمی‌نگرید
هفت طبقه آسمان را چه نیکو آفرید و ماه را
در میان آن‌ها چون نوری و خورشید را
همانند چراغی روشن‌کننده قرار داد؟ ای
مردم، خدا شما را از زمین خلق کرد، سپس
شما را به آن باز می‌گرداند و سرانجام شما را
از زمین مبعوث می‌کند و خداست که زمین
را برای شما همانند بستری قرار داد تا به
راحتی در آن سیر کنید.»^(۵)

پس توصیهٔ خداوند به بت پرستان آن
بود که خدا پاسخگوی بیم و امید شماست،
نه این بت‌ها و از این جهت تنها اوست که
شایستهٔ پرستش است.

* آیا این دو عامل به یک اندازه در
بت پرستی نقش داشته‌اند؟

* خیر. خوف بیشتر تأثیر داشته؛ چرا
که طبعاً اعتماد و امید مردم به خودشان
است و کم‌تر به دیگران امیدوار می‌شوند و
لذا قرآن هم وقتی وظایف انبیاء علیهم السلام را بر
می‌شمرد، انذار را بیش‌تر ذکر می‌کند تا
بشارت را.^(۶)

* آیا امروزه نیز مرام بت پرستی
وجود دارد؟

* آری. تمدن عصر حاضر نیز معجونی
مرکب از سنت‌های بت پرستی قدیم است،
با این تفاوت که بت پرستی قدیم جنبهٔ
فردی داشت، ولی در عصر حاضر به شکل
اجتماعی درآمده است.^(۷) اگر دیروز یک
فرد نفع و ضرر خود را در خضوع و
پرستش و تبعیت از یک بت می‌دید، امروزه
جوامع بشری سود و زیان خود را در
بت‌هایی چون تمدن غرب و قدرت‌های
بزرگ و به طور کلی در غیر خدا می‌بینند؛ از
استکبار جهانی می‌هراسند و به دنبال جلب
رضایت اویند و نفع و سود خود را یکسره
در تمدن غرب می‌جویند.

* آیا بت پرستان بت‌ها را شفیع نزد
خدا می‌پنداشتند، یا آن‌ها را خدای مستقل
می‌دانستند؟

* آیین بت پرستی در آغاز پیدایشش، بر اساس توحید صانع بود؛ یعنی آنان خالق جهان را یکی می‌دانستند و این بت‌ها را شفیع نزد خدا می‌پنداشتند و می‌گفتند: این بت‌ها را نمی‌پرستیم، مگر برای این‌که ما را قدمی به خدا نزدیک کنند^(۸) و چون این قربان از حواس آنان غایب بودند، از این روی مجسمه‌ای به صورت بت برای آنها می‌ساختند و به این وسیله با عبادت و پرستش به آن‌ها تقرب می‌جستند تا شفیع ایشان نزد خدا شوند.^(۹)

البته بسیاری از عوام مشرکان، بت را مستقل در الوهیت می‌دانستند، نه شفیع در درگاه خدا و حتی آن را مقدم بر خدای متعال و برتر از او می‌پنداشتند.^(۱۰)

* آیا علت استمرار بت پرستی، فقط همان مسألهٔ بیم و امید است؟

* خیر عوامل دیگری نیز در استمرار بت پرستی نقش داشته‌اند که در ادامه ذکر می‌شود. به هر حال باید گفت که بت پرستی تنها به پرستش یک مجسمه یا ستاره یا خورشید خلاصه نمی‌شود، بلکه هر کس از غیر خدا بترسد و قطع امید نکند، گرفتار نوعی شرک و بت پرستی شده است. چنان که از امام صادق علیه السلام روایت شده است تنها کسانی مسلمان واقعی و راستین هستند که در دین و پرستش و اعتقادشان چیزی را با خدا شریک نکرده‌اند.^(۱۱) اینان کسانی هستند که خیر را به دست خدا می‌بینند و تنها از نافرمانی و خشم او می‌ترسند.

به هر حال در حالتی که ظلمت کفر و شرک، سراسر هستی را فرا گرفته بود و همگان در دام شیطان گرفتار شده بودند و زمین و آسمان در انتظار روشنایی و نور به سر می‌برد، خداوند فرستاده‌ای دیگر و پیامبری اولوالعزم را برای ارشاد مردم مبعوث نمود و فرمود: «ما نوح را به سوی قومش فرستادیم تا قومش را قبل از آمدن عذاب دردناک انذار دهد»^(۱۲)

* پیامبر اولوالعزم با سایر پیامبران چه تفاوتی دارد؟

* در روایات نقل شده است که از میان همه انبیاء تنها ۳۱۳ نفر دارای مقام رسالت بوده‌اند و از بین این رسولان، به پنج نفر انبیای اولوالعزم گفته شده است که عبارتند از: حضرت نوح علیه السلام، حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت موسی علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام، و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم.

البته باید دانست در خود قرآن هم از پیامبرانی به عنوان اولوالعزم سخن به میان آمده، ولی نام آن‌ها به صراحت گفته نشده، بلکه فرموده است: «فاصبر کما صبر اولوالعزم من الرسل».^(۱۳) از این آیه فقط این مطلب استفاده می‌شود که پیامبران اولوالعزم دارای عزم راسخ و صبر و استقامت بوده‌اند. البته در روایات، ویژگی انبیای اولوالعزم این چنین بیان شده است که فقط ایشان صاحب شریعت بوده‌اند (شریعت یعنی احکام اجتماعی و قوانین



ذیل آیه ۲۱۳ سوره بقره گفته‌اند: ظهور این آیه در آن است که زندگی انسان‌ها قبل از زمان حضرت نوح علیه السلام بسیار ساده بوده است؛ یعنی هنوز به صورت زندگی شهری و اجتماعات وسیع در نیامده بود تا محتاج قانون باشد. (۱۵)

**** نوح علیه السلام در برابر قومی که همگی به بت پرستی رو آورده بودند به چه کاری دست زد؟**

*** حضرت نوح علیه السلام هرگز خود را فردی تنها نمی‌دانست که در مقابل یک قوم نمی‌تواند کاری انجام دهد و سخنانش اثری ندارد، پس باید از رسالت خویش دست بردارد، بلکه او به وظیفه خود و به مسئولیتی که خداوند بر دوش او نهاده بود می‌اندیشید و تلاش می‌کرد با استفاده از بهترین روش‌ها، قوم خود را راهنمایی کند و آنان را از بت پرستی و شرک نجات دهد. او استوار و ثابت قدم، رسالت خویش را آغاز کرد و از هیچ کوششی در رسیدن به مقصدش - یعنی نجات مردم از بت پرستی - کوتاهی نکرد؛ هر چند قومش او را مسخره می‌نمودند و می‌گفتند: به این مرد بنگرید که با آن‌که همانند ماست و مانند ما انسان‌ها غذا می‌خورد و راه می‌رود و لباس می‌پوشد، ادعای برتری دارد و خود را فرستاده خدا می‌شمارد و از وجود خدایی به جز بت‌هایمان خبر می‌دهد. مردم بدانید او دیوانه است و دچار جن‌زدگی شده است. نوح علیه السلام که با عزمی راسخ در اندیشه**



لازم برای روابط پیچیده جامعه انسانی).

از این روی، کتاب‌های آسمانی دو دسته‌اند: ۱- کتاب‌های آسمانی مانند زبور؛ «و آتینا داود زبور»^(۱۴) (ما به داود زبور را دادیم). طبق روایات، داود از پیامبران اولوالعزم نبوده و کتاب آسمانی چنین پیامبرانی فقط دارای مطالب اخلاقی، خبرهای غیبی، ادعیه، مناجات و امثال این‌ها بوده است.

۲- کتاب‌های آسمانی به نام شریعت. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، طبق روایات فقط پنج نفر از پیامبران دارای چنین کتاب‌های آسمانی بوده‌اند که نفر اول آن‌ها، حضرت نوح علیه السلام است. مرحوم علامه طباطبائی رحمه الله در تفسیر المیزان، جلد دوم،

انجام رسالت الهی خویش بود، به تبلیغ و ارشاد قومش ادامه داد و با وجود شنیدن سخنان سخت و اتهامات گزنده‌ای که به او نسبت می‌دادند، باز هم در پی انذار و بیم دادن آنان بود و می‌گفت: ای مردم، از خدا بترسید و از روز عذاب دردناک بر حذر باشید. حضرت نوح علیه السلام سالهای بسیاری میان قومش زندگی کرد و به دعوتش ادامه داد، اما جز تعداد اندکی به او ایمان نیاوردند.

*** قرآن کریم گفت و گوی میان نوح علیه السلام و قومش را چگونه نقل نموده است؟

*** نوح علیه السلام به آن قوم بت پرست گفت: «من به طور آشکار شما را از نافرمانی خدا بیم می‌دهم»^(۱۶) ای قوم، دست از بت پرستی بردارید و «خدا را پرستید و از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید»^(۱۷) ای مردم، اگر دست از شرک بردارید و به عبادت خدای یکتا پردازید، مطمئن باشید که «خداوند گناهان گذشته شما را می‌بخشد و شما را عذاب نمی‌نماید»^(۱۸). در برابر این سخنان نوح علیه السلام، عده‌ای اندک به نوح ایمان آوردند، اما تعداد زیادی به انذارهای او توجه نکردند، بلکه «کافران به او گفتند می‌بینیم که تو بشری مثل ما هستی»^(۱۹) و مانند ما زندگی می‌کنی و غذا می‌خوری و می‌خوابی تو چگونه خود را رسول خدا می‌نامی و از او خبر می‌دهی، در حالی که «ما برای تو بر خودمان هیچ برتری

نمی‌بینیم»^(۲۰). فرشته که نیستی، اموال بسیار هم که نداری، حتی «پیروانت افراد فرومایه هستند»^(۲۱) آنان به نوح گفتند: نه تنها «هیچ برتری بر خودمان برایت نمی‌بینیم، بلکه گمان می‌بریم که تو از دروغگویان هستی»^(۲۲) و «این سخنانی که می‌گویی افترا بی‌بسی نیست»^(۲۳) که به دروغ به خدا نسبت می‌دهی. ادامه دارد.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- سوره نوح، آیه ۲۳.
- ۲- محمد حسین، طباطبایی، ترجمه المیزان، ج ۷ ص ۴۱.
- ۳- همان، ص ۲۷۰.
- ۴- همان، ص ۴۲.
- ۵- اقتباس از آیات ۲۰- ۱۰ سوره نوح.
- ۶- محمد حسین، طباطبایی، پیشین، ص ۲۷۰.
- ۷- همان، ج ۴ ص ۲۵۴.
- ۸- زمر، آیه ۳.
- ۹- محمد حسین، طباطبایی، پیشین، ج ۶، ص ۱۵۳.
- ۱۰- همان، ج ۱۰، ص ۴۱۳ / انعام، آیه ۱۳۶.
- ۱۱- روایت ابن مسکان از امام صادق علیه السلام در اصول کافی، به نقل از ترجمه المیزان، ج ۷، ص ۲۷.
- ۱۲- سوره نوح آیه ۱.
- ۱۳- سوره احقاف آیه ۳۵.
- ۱۴- سوره نساء آیه ۱۶۳.
- ۱۵- آیت الله مصباح یزدی، راهنماشناسی، ص ۲۶۴- ۲۶۳.
- ۱۶- نوح، آیه ۲.
- ۱۷- نوح، آیه ۳ / شعراء، آیه ۱۰۸ و آیه ۱۱۰.
- ۱۸- نوح، آیه ۴.
- ۱۹ و ۲۰- هود، آیه ۲۷.
- ۲۱- هود، آیه ۲۷ / شعراء، آیه ۱۱۱.
- ۲۲- هود، آیه ۲۷.
- ۲۳- هود، آیه ۳۵.